



مرکز تحقیقات دارالحديث

میراث صدر شیعہ

دفتر دوم

بہ کوشش

علی صدراپی خویی

ہمدی مهریزی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مهریزی، مهدی، ۱۳۴۱-، گردآورنده.

میراث حدیث شیعه: ۲/ به کوشش مهدی مهریزی و علی صدراپی خویی.

قم: مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۷۸.

۶۵۲ ص.

کتابنامه به صورت زیر نویس.

۱. احادیث شیعه - مجموعه ها. ۲. احادیث شیعه ۳. اربعینیات. ۴. احادیث خاص

(حدیث حقیقت). ۵. احادیث خاص (رأس جالوت). ۶. احادیث - مسائل ادبی.

۷. حدیث - علم الرجال. ۸. احادیث - اجازه ها. الف عنوان. ب صدراپی خویی، علی،

۱۳۴۲-، گردآورنده همکار.

۲۹۷/۲۱۸

BP ۱۴۱/م ۹م ۹

ISBN : 964 _ 5985 _ 54 _ 4

شابک: ۹۶۴-۵۹۸۵-۵۴-۴



مرکز تحقیقات دارالحدیث

میراث شیعه ۲/

به کوشش:

مهدی مهریزی

علی صدراپی خویی

همکاران علمی:

ابوالفضل حافظیان، قاسم شیرجعفری، حسین گودرزی

ویراستار فارسی: محمدرضا موحدی ویراستار عربی: اسعد طیب مولوی

حروف نگاری و صفحه آرایی: محمد ضیاء سلطانی، فخرالدین جلیلود

دفتر میراث حدیث شیعه: قم، خیابان ۱۹ دی، کرچه دهم، پلاک ۳۱

نشانی برای مکاتبه: قم، ص. پ. ۳۴۱۸ / ۳۷۱۸۵ مرکز تحقیقات دارالحدیث، میراث حدیث شیعه

تلفن: ۷۱۱۷۴۵۰. نمابر: ۷۱۹۱۹۰

فهرست

آغاز دفتر

۷

متون حدیثی

۱۱ وصية النبي ﷺ لعلي بن أبي طالب ؑ

به روایت عمر بن محمد نسفی / تحقیق: سید احمد رضا حسینی

۵۳ المناجاة الإلهيات

سید ضیاء الدین فضل الله بن علی راوندی / تحقیق: سعید رضا علی عسکری

۸۹ الاستبصار في النص على الأئمة الأطهار ؑ

أبو الفتح محمد بن علی بن عثمان کراجکی / تحقیق: محمد اسلامی یزدی

۱۳۵ الأربعون حديثاً

عزالدین حسین حارثی عاملی / تحقیق: علی اوسط ناطقی

شرح و ترجمه حدیث

۱۸۷ شرح حدیث حقیقت

خواجہ محمد دهدار / تحقیق: مهدی مهریزی

۲۱۱ صحيفة المحبة

سائل کاشانی / تحقیق: محمد مهدی فقیهی

۲۳۳ شرح حدیث رأس الجالوت

ملا عبد الصاحب محمد بن احمد نراقی / تحقیق: سید محمد رضا حسینی

۲۵۵ المکنون في حقائق الكلم النبوية

أبو محمد روزبهان بقلی فسایی شیرازی / تحقیق: علی صدرايي خویی

۳۶۵	نظیم اللتالی
	سید قوام الدین محمد بن محمد حسینی سیفی قزوینی / تحقیق: حسین گودرزی
۳۹۵	لَبَّ اللبَابِ فِي عِلْمِ الرِّجَالِ
	ملا محمد جعفر شریعتمدار استرآبادی / تحقیق: محمد حسین مولوی
۴۹۷	شرح طرق الشيخ الطوسي
	ملا محمد جعفر شریعتمدار استرآبادی / تحقیق: علی فرخ
۵۳۵	الفوائد الرجالية للمحقق الكركي
	محمد حسن
۵۹۷	اجازات فیض کاشانی
	ابوالفضل حافظیان
۶۲۹	إزالة الأوهام شيخ ابوالقاسم خویی
	سید صادق حسینی اشکوری

علوم حدیث

اجازات

معرفی نسخه

شرح و ترجمه

حديث

شرح حديث حقيقت

خواجہ محمد دھدار (م ۱۰۱۶ ق)

صحيفة المحبة

سائل کاشانی (از شعرای سده دهم هجری)

شرح حديث رأس الجالوت

ملا عبدالصاحب محمد بن احمد نراقی (م ۱۲۹۷ ق)

المكنون في حقائق الكلم النبوية

أبو محمد روزبهان بقلی فسایی شیرازی (م ۶۰۶ ق)

نظيم اللئالي

سيد قوام الدين محمد حسيني سيفي قزويني (م ۱۱۵۰ ق)

شرح حدیث حقیقت

خواجہ محمد دھدار (م ۱۰۱۶ ق)

تحقیق: مهدی مهریزی

درآمد

حقیقت جویی و حقیقت یابی در همه دوره‌ها از آرمان‌های متعالی آدمی بوده است. هر آدمی به گونه‌ای در طلب دست‌یابی به حقیقت است، اما حقیقتی که خود بدان رسیده و از آن تصور و برداشتی دارد. چه بسیار اختلاف‌هایی که پیش از رسیدن به سطح عمومی در سعه و ضیق میان اهل نظر دایره حقیقت یا مصادیق آن، آشکار گشته است، و همین‌ها نشان از تفاوت درجات انسانی و ظرفیت‌های متفاوت دارد.

از رسالت‌های برتر سفیران الهی نشان دادن حقیقت به انسانها و رساندن آنان به حقیقت است. اما از آن جا که انسانها از ظرفیت‌های وجودی متفاوت برخوردارند، تحمّل همه نوع گفته‌ای را ندارند.

بر همین پایه رسول خدا ﷺ فرمود:

إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمَرْنَا أَنْ نَنْزِلَ النَّاسَ عَلَى مَنَازِلِهِمْ وَنَكَلِمَ النَّاسَ بِقَدَرِ

عقولهم^۱.

ما پیامبران مأمور شدیم مردمان را بر جایگاه خود بنشانیم و
با آنان به اندازه خودشان سخن بگوییم.

و ایر مؤمنان فرمود:

ولیس کل العلم یستطیع صاحب العلم أن یفسره لكل الناس لأن منهم القوی
والضعیف ولأنّ منه ما یطاق حمله ومنه ما لا یطاق حمله^۲.

صاحبان دانش نمی توانند همه دانش را برای مردم تفسیر
کنند، زیرا برخی مردمان توانا و برخی ناتوانند؛ همان گونه
که بخش هایی از دانش را می توان دریافت و بخشی دیگر را
نمی توان یافت.

بزرگان دین، این سفارش ها را خود در هدایت و تبلیغ با دقت
تمام اجرا می کردند.

یکی از مضامین عرفانی که در پاره ای منابع حدیثی منقول است
و گویای همین نکته پیش گفته است، روایتی است معروف به
حدیث حقیقت که کمیل بن زیاد نخعی آن را از امیر مؤمنان علیه السلام
روایت کرده است. در این روایت کمیل ابتدا از حقیقت می پرسد
و حضرت علی از پاسخ سر باز می زند و با اصرار کمیل
رشحه هایی از حقیقت را باز می نماید.

این حدیث مورد شرح و تفسیر بسیار قرار گرفته است. در اینجا
به تصحیح و ارائه یکی از آن شروح می پردازیم. پیش از نقل
رساله مطالبی را به عنوان درآمد پیرامون کمیل، حدیث حقیقت،

۱. بحار الأنوار، ج ۲، ص ۶۹، ح ۲۳

۲. بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۱۴۱

مصادر و شروح آن، صاحب این رساله و نسخه‌هایش در سه بخش خواهیم آورد.

۱- کمیل بن زیاد نخعی

کمیل بن زیاد نخعی یکی از شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام و همراهان وی و فرزند بزرگوارش امام حسن علیه السلام بوده است. اطلاعات گسترده و دقیقی از شرح حال او در دست نیست. سال ولادت او را مورخان معلوم نساخته‌اند، اما در سال وفاتش سه قول است: ۱- در سن هفتاد سالگی در سال ۸۸ قمری وفات یافت. بر اساس این رأی ولادت او در سال هیجدهم هجری و پس از رحلت رسول خداست.^۱

۲- رأی دیگر آن است که در سال ۸۲ قمری در سن نودسالگی از دنیا رفت که بر این نظر ولادت او هشت سال قبل از هجرت یعنی سال پنج بعثت رسول خدا اتفاق افتاده است. بر اساس این نظر، سن کمیل هنگام رحلت پیامبر، هیجده سال بوده است.^۲

۳- اینکه در سن هفتاد در سال ۸۲ هجری از دنیا رفته است که در این صورت ولادت او سال دوازدهم هجرت بوده است. این نظر رازرکلی در الاعلام برگزیده است.^۳

پاره‌ای مورخان نوشته‌اند: کمیل به دست حجاج بن یوسف ثقفی به شهادت نایل آمد. کمیل مردی برجسته و اهل دقت و از

۱. تهذیب التهذیب، ج ۸، ص ۴۴۸

۲. تاریخ الاسلام (ذهبی)، ج ۳، ص ۲۹۳

۳. الأعلام، زرکلی، ج ۵، ص ۲۳۴

صاحبان سرّ امیرالمؤمنین بود؛ چنانکه روایات نقل شده از وی نیز بدین امر گواهی می‌دهد.^۱

همچنین او کارگزار امیرالمؤمنین بر هیت (شهری نزدیکی فرات) بود. و از سوی بسر بن ارطاة عامل جانی معاویه مورد تهاجم قرار گرفت. امیرالمؤمنین در نهج البلاغه نامه‌ای به وی نگاشته و او را سرزنش می‌کند.

حدیث شناسان کمیل را قلیل الحدیث معرفی کرده‌اند و جستجوی در مصادر، بیانگر این نکته است. جهت آشنایی با شخصیت کمیل فهرستی اجمالی از روایت‌هایی که او نقل کرده ارائه می‌گردد.^۲

با تبعی که در مصادر حدیثی شیعه و اهل سنت انجام شد، روایت‌هایی که کمیل بن زیاد ناقل آن است، از بیست مورد تجاوز نمی‌کند و عناوین آن چنین است:

- ۱- حدیث معرفت نفس که سؤالی است از سوی کمیل از امیرمؤمنان (علیه السلام): أريد أن تعرفني نفسي. روضات الجنات، ج ۶، ص ۶۱؛ شرح الأسماء، حاج ملاهادی سبزواری، ج ۲، ص ۴۴
- ۲- دعای کمیل. مصباح المتعجد، ص ۷۷۴

۱. روضات الجنات، ج ۶، ص ۶۱؛ تاریخ الاسلام، ج ۳، ص ۲۹۳؛ الکامل فی التاریخ، ج ۳، ص ۱۸۵؛

الاصابة، ج ۳، ص ۳۱۸؛ بحار الأنوار، ج ۹، ص ۶۳۶

۲. جهت اطلاع بیشتر از شرح حال کمیل رجوع شود به: کمیل بن زیاد النخعی، علی بن الحسین الهاشمی

الخطیب، دار المفید، بیروت، ۱۴۱۱هـ، ۱۹۹۰م، ۱۱۲ص؛ روضات الجنات، ج ۶، ص ۶۱-۶۷؛ الإصابة،

ج ۳، ص ۳۰۰؛ البداية و النهایة، ج ۹، ص ۴۶؛ تهذیب التهذیب، ج ۸، ص ۴۴۷؛ جامع الرواة، ج ۲، ص ۳۱؛

سفینة البحار، ج ۲، ص ۴۹۶؛ الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۴۸۱؛ شرح نهج البلاغه، ج ۱۷، ص ۱۴۷؛ میزان

الاعتدال، ج ۳، ص ۴۵۱

۳- حدیث حقیقت که مصادر آن در صفحات بعد معرفی می گردد.

۴- حدیث امیرالمؤمنین به کمیل که: إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ أَوْعِيَةٌ... تحف العقول، ص ۱۸؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۹۴- ۲۸۹؛ نهج البلاغه، حکمت ۱۳۹ (فیض الاسلام)؛ بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۴۴.

۵- وصیت امیرالمؤمنین به کمیل. این وصیت بسیار طولانی است در تحف العقول، ص ۱۱۹-۱۲۳ و بشارة المصطفی، ص ۳۷-۳۰؛ به صورت کامل و در مستدرک الوسائل تقطیع شده آن منقول است: ج ۴، ص ۹۴ و ۴۲۲؛ ج ۵، ص ۲۱۸ و ۳۱۳؛ ج ۷، ص ۲۰۲ و ۲۲۵؛ ج ۸، ص ۳۳۰ و ۳۵۲؛ ج ۹، ص ۴۸ و ۲۷۷؛ ج ۱۱، ص ۲۸۱ و ۳۳۷؛ ج ۱۲، ص ۱۹۷ و ۳۰۳؛ ج ۱۳، ص ۱۲۴؛ ج ۱۴، ص ۱۲؛ ج ۱۵، ص ۱۶۶؛ ج ۱۶، ص ۲۳۲؛ ج ۱۷، ص ۲۶۷. همچنین برخی فرازهایش در وسائل الشیعة ج ۱۸، ص ۱۶ و ص ۷۳ ذکر شده است.

۶- سخن حضرت امیر^{علیه السلام} به کمیل: یا کمیل مُرْ اَهْلُکَ... نهج البلاغه، حکمت ۲۴۹ (فیض الاسلام)

۷- نامه حضرت علی^{علیه السلام} به کمیل هنگامی که فرماندار هیت بود. نهج البلاغه، نامه ۶۱؛ الغدير، ج ۱۱، ص ۱۹.

۸- حدیثی در فضیلت لاحول و لا قوة الا بالله از رسول خدا که از ابوهریره نقل کرده است. تاریخ الاسلام ذهبی، ج ۲، ص ۳؛ المستدرک، ج ۱، ص ۵۱۷؛ مسند احمد، ج ۲، ص ۳۰۹ و ۵۲۰. ۵۳۷.

۹- حدیثی در حقیقت توبه و استغفار. تحف العقول، ص ۱۳۸.

۱۳۹؛ وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۳۶۱-۳۶۲.

۱۰- حدیثی در تبیین گره گشایی از کار دیگران البدایة والنهاية، ج ۲، ص ۲۷۱؛ الدلائل (بیهقی)، ج ۵، ص ۳۴۱؛ کنز العمال، ج ۳، ص ۶۶۳، ح ۸۳۹۹.

۱۱- نقل إخبار حضرت امیر از غیب (مردی که با صدای حزین قرآن می خواند و حضرت فرمود او اهل آتش است). ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۲۰۱ مؤسسة الأعلمی و ج ۲، ص ۲۲۶ (منشورات الرضی)

۱۲- ناقل تبعید ابوذر به شام توسط عثمان. الغدير، ج ۸، ص ۲۹۴ و ۳۲۵.

۱۳- ناقل روایت اخوک دینک فاحتط لدينك. امالی مفید، ص ۲۸۳.

۱۴- روایتی را از حضرت امیر نقل می کند که از شهر خارج شدیم و حضرت فرمود: یا اهل القبور. کنز العمال، ج ۳، ص ۶۹۷، ح ۸۴۹۵

۱۵- ناقل روایت إن حسی حسب النبی ﷺ و عرضی عرضه. شرح الأخبار، ج ۲، ص ۲۰۹

۱۶- ناقل روایتی از حضرت امیر که با پیامبر و ابوبکر بودیم و عبدالله بن مسعود نماز می خواند. المستدرک، ج ۳، ص ۳۱۷؛ کنز العمال، ج ۱۳، ص ۴۶۳، ح ۳۷۲۰۴.

نکته ای که از تأمل در نقل های کمال آشکار می شود آن است که بیشتر احادیث نقل شده توسط او دارای مضامین اخلاقی و عرفانی است و نیز به دست می آید که حدیثی را مستقیم از پیامبر روایت نکرده، بلکه این احادیث یا منقول از حضرت علی است

و یا با واسطه از رسول خدا نقل شده است.

۲- حدیث حقیقت

یکی از احادیثی که کمیل بن زیاد نقل کرده، حدیث حقیقت است که در آن از درجات و مراتب حقیقت می پرسد. این حدیث در مصادر اصلی شیعه و اهل سنت یافت نشد. به ویژه در آثار اولیه حدیثی نشانی از آن در دست نیست. مدارکی که تاکنون به آن دست یافتیم عبارت است از:

۱- روضات الجنات، سید محمد باقر خوانساری، ج ۳، ص ۵۳۷ (چاپ سنگی) و ج ۶، ص ۶۲ (چاپ جدید).

۲- مجالس المؤمنین، قاضی نورالله شوشتری، ج ۲، ص ۱۲

۳- شرح الاسماء، حاج ملاهادی سبزواری، ص ۱۳۱، ذیل جمله اللهم انی اسئلك باسمك یا احد یا واحد.

۴- ناسخ التواریخ جزء پنجم احوالات امیر المؤمنین علیه السلام.

۵- حکمت الهی، مهدی الهی قمشه‌ای، ص ۲۷۰، انتشارات اسلامی (چاپ سوم).

۶- رجال نیشابوری (به نقل از روضات الجنات، ج ۶، ص ۶۱).

۷- کلمات المحققین، ص ۱۶۱

از آن رو که در مصادر اصلی اثری از این حدیث در دست نیست و در کتب منقولہ متأخر نیز بدون سند نقل شده در انتساب و صدور آن می توان تردیدی جدی کرد. تا آنجا که برخی پژوهشگران به طور قطع آن را ساختگی دانسته اند.

هاشمی خطیب از کتاب «نتائج المطالعات و ثمرات

المراجعات^١ سید محمد مهدی کاظمی، دربارهٔ این حدیث
چنین نقل کرده است:

في نفسي من هذا الحديث شيء وجل ظني أنه من وضع الصوفية وإن أوردته
جمع من علماء الفريقين في كتبهم، كما عرفت. وذلك لأمر.

(الأول) أن الخبر المشار إليه لم يكن أكثر من سطر حتى يستغرق وقتاً كثيراً
ينتهي إلى الصبح فيأمره أمير المؤمنين عليه السلام بإطفاء السراج ومن البعيد أن
يترك كميل مع عقله وكمالها باب دار أمير المؤمنين قبيل طلوع الصبح مع
علمه عليه السلام باشتغال أمير المؤمنين عليه السلام بنوافل الليل ومقدمات صلوة الفجر.

(الثاني) أن كميل عليه السلام كان غرضه الوقوف على معنى الحقيقة ولم يقف حتى
طلع الصباح.

(الثالث) إن أمير المؤمنين عليه السلام وكذلك أولاده عليهم السلام كانوا يجيبون كل من يسألهم
بأجوبة شافية كافية غير مجملة بأبلغ عبارة وأحسن بيان كما لا يخفى على من
مارس كلماتهم ومخاطباتهم وأجوبتهم عليهم السلام المدونة في كتب الفريقين، هذا نهج
البلاغة وهذه الصحيفة العلوية والصحيفة السجادية وكذا سائر الأدعية
المأثورة عنهم والزيارات المروية عنهم والخطب المنقولة عنهم تنادي بأعلى
صوتها بأنها صادرة عن معادن العلوم والآثار ومنابع الحكم والأخبار. كما
لا يخفى على من جاس خلال تلك الديار.

(الرابع) انه لا داعي لالتقاء أمثال هذه الكلمات المجملية والعبارات المهمة على
مسامع حامل أسرارها وهو لا يفهمها. انتهى. قلت هذا رأي السيد الكاظمي
وقد تفرد به حفظه الله.^٢

١. مخطوط.

٢. كميل بن زياد النخعي، على بن الحسين الهاشمي الخطيب، ص ٥١-٥٢.

شرح‌ها

به هر رو این روایت مورد توجه اهل عرفان و سیر و سلوک قرار گرفته و شروحنی چند بر آن نگاشته‌اند که برخی از آن به طبع رسیده و برخی دیگر دارای نسخ خطی است و تعدادی نیز تنها در کتب فهارس نام برده شده‌اند. در اینجا به معرفی مهم‌ترین این شرح‌ها می‌پردازیم:

۱- شرح میرزا محمد بن سلیمان تنکابنی نویسنده قصص العلماء (م ۱۳۰۲ هـ)

الذریعة، ج ۱۳، ص ۱۹۷

۲- شرح شیخ عزالدین محمود بن ابی طاهر کاشانی.

الذریعة، ج ۱۳، ص ۱۹۶ و ج ۱۸، ص ۱۴۰

نسخه‌ها:

الف - دانشگاه تهران، ش ۱۰۳۶/۳، فهرست ۳ ص ۴۶۲

ب - کتابخانه ملی تهران، فهرست، ج ۱۱، ص ۷۲۷

ج - مرعشی، ش ۱۰۱۲۰، ۸۳۷۳، ۴۷۸ و ۲۰۱۰

۳- شرح مظفر علی شاه کرمانی (م ۱۱۲۵ هـ) (فارسی منظوم).

الذریعة، ج ۱۳، ص ۱۹۷ و ج ۱۸، ص ۱۴۰

نسخه‌ها:

الف - کتابخانه ملك، ش ۵۱۸۱، فهرست، ج ۳، ص ۴۹۹

ب - مرعشی، ش ۷۳۴۱

۴- شرح شیخ مفید متخلص به داور (م ۱۳۲۰ ق).

الذریعة، ج ۱۳، ص ۱۹۷

۵- شرح ملا عبدالله زنوزی (م ۱۲۵۷ ق) این شرح با نام الأنوار

الجلية فی كشف أسرار الحقایق العلوية به اهتمام استاد
سیدجلال الدین آشتیانی از سوی مؤسسه مطالعات اسلامی به
چاپ رسیده است.

۶- شرح حاج ملاهادی سبزواری (م ۱۲۸۹ ق) که در ضمن شرح
دعای جوشن کبیر بدان پرداخته و در کتاب اسماء الحسنی،
ص ۱۳۱-۱۳۳ به چاپ رسیده است.

۷- شرح ملاعبدالرزاق کاشانی (م ۷۳۰ یا ۷۳۵ ق).

الذریعة، ج ۱۳، ص ۱۹۶ و ج ۱۸، ص ۱۴۰

این شرح در شماره ششم مجله اندیشه، بر اساس چهار نسخه به
چاپ رسیده است.

۸- اکمال الحجة فی شرح حدیث الحقیقة، سیدعبدالرحیم بن
ابراهیم الحسینی الیزدی (م حدود ۱۳۱۵ ق).

الذریعة، ج ۲، ص ۲۸۲

۹- شرح حدیث حقیقت، ابن همام شیرازی شیعی
نسخه:

دانشگاه تهران، ش ۲/۲۶۵۴ (ص ۱۰-۲۲)، فهرست، ج ۱۰،
ص ۱۵۲۴

۱۰- گزارش خبر کمیل به نظم
نسخه:

دانشگاه تهران، ش ۳۳/۱۰۳۵، فهرست ۳، ص ۴۶۴

۱۱- شرح خبر کمیل، جمال الدین حسن بن یوسف مطهر حلی
(م ۷۲۶ ق)

الذریعة، ج ۱۳، ص ۱۹۶

این رساله به علامه حلی منسوب است و برخی آن را از دوانی دانسته‌اند.

این شرح در مجموعه‌ای به نام **کلمات المحققین** چاپ سنگی شده است و دارای نسخه‌هایی است.
نسخه‌ها:

الف - دانشگاه تهران، ش ۱۰۳۶/۱ (۱ برگ)، فهرست ۳، ص ۴۶۰.

ب - کتابخانه مجلس، ش ۴۹۰۰/۳۲، فهرست ج ۱۴، ص ۶۷ و ش ۱۸۰۵/۴۰، فهرست ج ۹، ص ۳۴۵

۱۲ - شرح حدیث حقیقت، شاه نعمه‌الله ولی (م ۸۲۷ ق).
فهرست مزوی، ص ۱۳۳۲

نسخه‌ها:

الف - کتابخانه ملک، ش ۴۱۸۹/۶، فهرست، ج ۷، ص ۲۳۷

ب - مرعشی، ش ۴۷۸۱

۱۳ - شرح فارسی حدیث حقیقت، مقیم کاشانی
نسخه:

کتابخانه ملک، ش ۴۷۷/۱۰ (ص ۳۰-۳۶)، فهرست، ج ۱، ص ۸۵

۱۴ - شرح عربی حدیث حقیقت، (از الذریعه برمی‌آید که
محتمل است از آن محمود دهدار باشد).

الذریعه، ج ۱۳، ص ۱۹۷-۱۹۸

نسخه:

کتابخانه ملک، ش ۴۰۲۷/۱۴ (ص ۹۹-۱۰۳)، فهرست، ج ۷،

ص ۱۵۱

۱۵ - گزارش فارسی خبر کمیل، نویسنده ناشناخته

نسخه:

دانشگاه تهران، ش ۱۱۶۹/۳، فهرست، ج ۶، ص ۲۳۳۳
 ۱۶- شرح فارسی حدیث حقیقت، نویسنده ناشناخته،
 آغاز: حمد جلال احدیت نه زبان هر کس است.

نسخه:

مجلس، ش ۱۳ و ۶۳۱/۱۲، فهرست، ج ۲، ص ۳۹۳
 ۱۷- شرح حدیث حضرت علی به کمیل به نام نفایس التحقيق و
 جواهر التدقیق.

نسخه:

دانشکده الهیات مشهد، ش ۱۰۳۵/۱ (کتابت در قرن ۱۰).
 فهرست، ج ۲، ص ۱۹۲
 ۱۸- شرح حدیث حقیقت از قاضی میرحسین.

نسخه:

مرعشی، ش ۱۰۸۸۲، ۹۴۱۱ و ۹۷۹۷
 ۱۹- شرح فارسی حدیث حقیقت، نویسنده ناشناخته.

نسخه:

مرعشی، ش ۷۴۹۸، فهرست ۲۹۳/۱۹
 ۲۰- شرح حدیث حقیقت، نویسنده ناشناخته، عربی.

نسخه:

مرعشی، ش ۴۶۵۰
 ۲۱- شرح حدیث الحقیقة، محمدحسین بن الآقا باقر
 البروجردی (م ح ۱۲۶۴ ق).

الذریعة، ج ۱۳، ص ۱۹۶

۲۲- شرح حدیث الحقیقة، عبدالرحیم بن محمد یونس
الداماوندی الاصفهانی (م ۱۱۶۰ هـ).

الذریعة، ج ۱۳، ص ۱۹۶

این توضیح و یادآوری لازم است که گمان می رود برخی از این رساله ها مکرر باشد، چرا که این فهرست بر اساس فهارس نسخ خطی فراهم آمده و به اصل نسخه ها مراجعه نشده است.

۳- رساله دهدار

یکی از شرح های حدیث حقیقت، رساله ای است به فارسی به نام کمیلیه. این رساله را نسخه شناس ارجمند محمد تقی دانش پژوه به احتمال از آن محمد دهدار دانسته است.

این رساله در دانشگاه تهران، به شماره ۱۱۱۳ (فهرست، ج ۶، ص ۱۳۷۸) در ضمن مجموعه ای مندرج است.

شیخ آقابزرگ تهرانی نیز همین احتمال را نقل کرده و فرموده است:

الکلیة یوجد منها نسخة فی (دانشگاه: ۱۱۱۳)، اوله: [نویتی داعی مسکین

قدم قلم در ساحت اشارت امام الموحیدین امیرالمؤمنین علی بن ابی

طالب علیه السلام روان کرده بود که در جواب کمیل...] واحتمل دانش پژوه انها

تألیف محمد الدهدار، ونسخة اخری منها عند علی اصغر المهدوی ضمن

مجموعه تاریخ کتابة المجموعه ۱۰۷۳، لم يذكر المؤلف، کما فی «دریارة

نسخه های خطی ۸۵:۲»^۱.

در فهرست منزوی چنین آمده‌است:

کمیلیه = شرح حدیث ما الحقیقه: گویا از محمد دهدار [دانش پژوه] آغاز:
نوبتی داعی مسکین قدم قلم در ساحت اشارت امام موحدین... روان
کرده بود که در جواب کمیل بن زیاد فرمود، بزرگی نصیحات گفت که معلق
نوشته اگر چنان فصیح نبوی که عامه فهم کنند.^۱

نسخه‌های این رساله آن گونه که در فهرست منزوی آمده بدین
قرار است:

۱- تهران، اصغر مهدوی ۲۵۹/۶: نستعلیق ۱۰۷۳ آغاز برابر
نمونه در فهرست از نگارنده نام برده نشده [نسخه‌ها ۲: ۹۸].

۲- دانشگاه ۲۵۹۴/۲: نستعلیق میر محمد مؤمن حسینی ۱۰۸۱
(۱۵۹۲) در فهرست از نگارنده نام برده نشده‌است، آغاز برابر
نمونه [ف. دانشگاه ۹: ۱۴۳۴].

۳- ملک ۴۰۲۷/۱۳: شکسته نستعلیق سده ۱۲. آغاز برابر نمونه،
نسخه به عنوان «کمیلیه» است و از نگارنده نام برده نشده‌است
(گ ۹۹ ر- ۱۰۳ ر).

۴- دانشگاه ۱۳ / ۱۱۱۳: تاریخ یاد نشده، آغاز برابر نمونه، در
فهرست به احتمال از دهدار دانسته شده‌است [ف. دانشگاه ۵:
۱۳۷۸].^۲

این رساله بر اساس نسخه دانشگاه تهران شماره ۱۱۱۳ تصحیح
شده‌است.

نویسنده این رساله بر اساس احتمال ذکر شده، خواجه محمد

۱. فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۲، ص ۱۳۳۱

۲. فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۲، ص ۱۳۳۱

دهدار (۹۴۷-۱۰۱۶هـ) از عالمان شیعه در قرن دهم است. از وی رساله‌های عرفانی بسیاری به زبان فارسی به یادگار مانده که ضمن مجموعه‌ای به چاپ رسیده است.

و نیز رساله قضا و قدر ایشان را استاد آیه الله حسن زاده آملی تصحیح و منتشر کرده است. علامه تهرانی نیز در الذریعه رساله‌های متعددی را از وی معرفی کرده است.^۱

[illegible][illegible]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نوبتی داعی مسکین، قدمِ قَلَم در ساحت اشارت امام الموحدين امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام روان کرده بود که در جواب کمیل بن زیاد فرموده و بزرگی فصیح گفت که مغلق نوشته اگر چنان فصیح بنویسی که عامه فهم کنند، فایده آن عامتر.

فرمان مشتمل شد و در بیان واضح شروع نمود و از الله تعالی توفیق اتمام خواست - إِنَّهُ وَلِيُّ الْإِجَابَةِ وَالْإِنْعَامِ.

کمیل بن زیاد که یکی از ملازمان حضرت امیر بود، روزی از آن حضرت سؤال کرد که: مَا الْحَقِيقَةُ؟ آنچه در افواه مردم در مقابل شریعت و طریقت آن را حقیقت خوانند، چه چیز است؟

امیر فرمود: مَا لَكَ [وَأ] الْحَقِيقَةُ؟ چه کار داری تو با سؤال از حقیقت؟ کمیل گفت: أَوَلَسْتُ صَاحِبَ سِرِّكَ؟ آیا من در حقیقت صاحب سِر تو نیستم که می فرمایی: تو را با حقیقت چه کار؟

امیر گفت: بَلَى وَلَكِنْ يُرْشَعُ عَلَيْكَ مَا يَطْفَحُ مِنِّي؛ بلی تو صاحب سِر منی در بیان حقیقت، اما با تو چه حاجت است به بیان؛ صبر کن تا پوشیده آید بر تو آنچه

در کشف حقیقت از من سرزند و روی نماید.

کمیل گفت: أَوْ مِثْلَكَ يُخَيِّبُ سَائِلًا؛ عجب که مثل تو کریم، سایل را محروم گرداند و او را از نقد به نسیه حواله کند.

چون آتش طلبِ کمیل چنان تیز بود که به وعده تسکین نیافت، امیر آنچه لایق بود از بیانِ حقیقت بگفت و فرمود: الْحَقِيقَةُ كَشَفُ سُرَادِقَاتِ الْجَلَالِ مِنْ غَيْرِ إِشَارَةٍ، حقیقت [آن است] که بعد از سلوک شریعت در سیر طریقت، مستعدّ و مستحقّ آن را روی نماید، باز پس افتادن پرده‌های جلال حق است از پیش نظر طالب تا ببیند آنچه در پس پرده بود و پرده برخواست و بنمود بی‌آنکه اشارت به سوی آن تواند کرد که گوید چیست آن که مَنْ بینم و اشارت از چند جهت نتواند بود: یکی از غلبه نور، دیگر حیرت نبیند، دیگر تقدّس از جا و جهت. سید نعمت الله گوید:

نوری است که وصفش به عبارت نتوان کرد

او را نتوان دید و اشارت نتوان کرد^۱

شیخ سعدی گوید:

هیچ نقاشی نمی‌بیند که نقشی برکشد

و آنکه دید از حیرتش کلک از بیان افتاده است^۲

حافظ گوید:

کس ندانست که منزلگه مقصود کجاست

اینقدر هست که بانگ جرسی می‌آید^۳

۱. مقصود نویسنده از سید نعمت الله، همان شاه نعمت الله ولی است و این بیت با اندکی اختلاف در: دیوان

شاه نعمت الله، غزلیات، ص ۲۲۵، آمده است.

۲. این بیت در کلیات سعدی یافت نشد.

۳. دیوان حافظ، تصحیح دکتر خانلری، غزل شماره ۲۳۵، بیت ۵

کمیل می‌دانست که حقیقت [را] مراتب خواهد بود، از مرتبه دیگر استفسار نمود؛ گفت: زِدْنِي فِيهِ بَيَاناً در بیان حقیقت چیزی زیادت از این هست، بفرمای. فرمود: مَخَوُ الْمُؤْهُومِ مَعَ صَخَوِ الْمُغْلُومِ؛ حقیقت در پایه بالاتر از آنچه بیننده می‌دید و تعبیر از آن نمی‌توانست کرد و هر زمان خیالی می‌بست و وهمی می‌کرد، خیال و وهم محو شود و بیننده را معلوم گردد به فهم صریح بی شبهه که چه می‌بیند چنانکه تعبیر از آنچه دیده است تواند کرد و به اشارتی خبر حال اعلام تواند داد. سید قاسم گوید:

نمی‌توان خبری دادن از حقیقتِ دوست

ولی زروی بصیرت حقیقت همه اوست^۱

و شیخ عراقی گوید:

عراقی از پی تو در بدر همی گردد

تو خود درون دلش ظاهر و هویدایی^۲

سلمان گوید:

جمالش لن ترانی گو تجلی می‌کند هر دم

مرو از جای خود ای دل که انوار جمال است این

کمیل گفت: زِدْنِي بَيَاناً. در بیان حقیقت زیاده از آنچه گفتمی بفرمای.

فرمود: هَتُّكَ السَّيْرُ بِغَلْبَةِ السَّرِّ. زیادت از این در بیان حقیقت آن است که بیننده به جایی رسد که از غلبه سر حقیقت بر مشاهده او نتواند که خود را نگاه دارد و از دیده باز گوید، پس پرده دری آغاز کند و بیخودی پیش هر نا اهل و اهل داد این بدهد.

۱. دیوان شاه قاسم انوار، تصحیح سعید نفیسی، ص ۷۰

۲. در دیوان عراقی یافت نشد.

مولانا محمد شیرین می‌فرماید:

آنچه می‌دانم از آن یار بگویم یا نه؟

و آنچه بنهفت زاغیاری بگویم یا نه؟

وصف آن کس که در این کوچه و این بازار است

بر سر کوچه و بازار بگویم یا نه؟^۱

شیخ اوحدی گوید:

هر چه گفتم من ای دبیر امروز نه به خویشم بمن مگیر امروز^۲
داعی گوید:

من نتوانم که حق نگویم و خود پُرنده بنده را سر

کمیل گفت: زِدْنِی بَيَانًا. در بیان حقیقت زیادت از مرتبه سابق چیزی در افزای.

امیر فرمود: جَذْبُ الْأَحَدِيَّةِ لِصِفَةِ التَّوْحِيدِ بیان حقیقت زیاده از مرتبه سابق،

آن است که کشش حضرت احدیت که صفت توحید حقیقی است واقع شود و به

مثل آفتاب ذره به سوی خود کشد و یا دریا قطره؛ پس در نور آفتاب گم شود،

قطره در آب دریا، پس آنکه تو او را یکی می‌گفتی، او همه را یکی کند که توحید

یکی گفتن است و یکی کردن و گفتن از ماست و کردن از او. از این جهت کشش

را نسبت به او کرد که او همه را به سوی خود نکشد و در خود محو نکند، توحید

فعلی حقیقی واقع نشود و از اینجا خواجه عبدالله انصاری فرموده است:

همه هیچید و هیچ، اوست که اوست

شیخ عراقی در آخر لَمَعَات می‌گوید:

۱. دیوان محمد شیرین مغربی، تصحیح دکتر لئونارد لونیان، ص ۳۴۴، غزل ۱۶۸

۲. دیوان اوحدی مراغی، غزل ۴۰۸، ص ۲۳۴

کِی بُود ما زما جدا ماند تو و من رفته و خدا ماند^۱
و این مرتبه را از حقیقت، صوفیان «جمع» گویند و آن شهود حق است
بی خلق، چنانچه شیخ اوحدی گوید:

تو یکی او یکی دو باشد دو این یکی زان یکی بیاید کاست^۲
و این محو و فنا در قوت ما نیست.

می فرماید، کمیل گفت: زِدْنِی بَيَانًا. در حقیقت زیاده این سخن بیان فرمای.
حضرت امیر فرموده اند که: نُورٌ يَشْرِقُ مِنْ صُبْحِ الْأَزَلِ فَيَلُوحُ عَلَى هَيَاكِلِ
التَّوْحِيدِ آثاره. زیاده از آنچه گفتم این است که حقیقت دو مرتبه است. بعد از این
که صحیح است که از او چنین عبارت کنی و گویی که نوری است که می تابد از
بامداد ازل.

پس پرتوهای او می درخشد و بر صورت ها می افتد که آن صورت ها را نسبت
به آن است که مظاهر نور توحیدند و شاید که مراد حضرت امیر از هیاکل، صُور
جزئیة ممکنات باشد و تعینات اشیاء. سید نعمت الله می فرماید:
هر ذره که می بینی خورشید در او پیداست

در دیده ما بیند چشمی که به حق بیناست^۳

و سید قاسم می گوید:

چو عکس مشرق صبح ازل هویدا

جمال دوست ز ذرات کون پیدا شد^۴

۱. مجموعه آثار فخر الدین عراقی، دکتر نسیرین محتشم، ص ۵۳۲

۲. دیوان اوحدی مراغی، تصحیح سعید نفیسی، ص ۶۰. این بیت را مرحوم نفیسی در ص ۴۲۶ از دیوان به
عنوان استندراک آورده که باید به صفحه ۶۰ دیوان افزوده گردد.

۳. دیوان شاه نعمت الله ولی، غزل شماره ۱۹۲، ص ۱۰۸

۴. دیوان شاه قاسم انوار، تصحیح سعید نفیسی، ص ۱۱۹

و شیخ عراقی می‌گوید:

آفتابی در هزاران آیینه تافته

بس به رنگی هر یکی تا بی‌عیان انداخته

جمله یک نور است اما رنگ‌های مختلف

اختلافی در میان این و آن انداخته^۱

و شیخ سعدی می‌فرماید:

به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست

عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست^۲

و حافظ می‌گوید:

هر دو عالم یک فروغ روی اوست

گفتمش پیدا و پنهان نیز هم^۳

و داعی می‌گوید:

روی تو در جلوه الله نور دیده ما از تو چرا مانده دور

دیده ما باز نشد سوی تو و رنه نهان نیست کس روی تو

این مرتبه را از حقیقت، صوفیه موحدّه «جمع الجمع» خوانند:

اگر در خلق، حق را در نیابی بیابی خانه اما در نیابی

و جمع الجمع شهود حق است با خلق به وجهی که کثرت تعینات قاذح در

وحدت ذاتی او نباشد؛ یعنی یکی باشد او را از خلق و حق دو نام شرابی از دو

جام رویی در صد آینه و شعاعی بر هزار آبگینه. اوحدی می‌گوید:

۱. مجموعه آثار فخرالدین عراقی، تصحیح دکتر محتشم، ص ۳۱۹، بیت ۳۷۹۴-۳۷۹۵

۲. کلیات سعدی، نسخه محمد علی فروغی، بخش مواعظ، ص ۸۸۷

۳. دیوان حافظ، تصحیح دکتر خانلری، غزل ۳۵۵، بیت ۴

ای مردم کور این چه بهار است ببینید

گلبن نه و گلهاش به بار است ببینید

فردا همه یکرنگ شود طالب و مطلوب

امروز یکی را که هزار است ببینید^۱

کمیل گفت: زِدْنِي بَيَانًا. مرا زیاده از اینکه فرموده در شرح حقیقت بیانی

بگویی.

حضرت فرمود: أَطْفِ السُّرَاجَ فَقَدْ طَلَعَ الصُّبْحُ؛ چراغ باز کش که صبح طالع

شد؛ یعنی سخن در پایه حقیقت ثمر شد.

بیان به پایان رسید و قصّه از بیان و گفتار به عیان و دیدار انجامید.

بیت:

شمع بنشان که آفتاب برآمد رخ معشوق از نقاب برآمد

بیت:

زهی نادان که آن خورشید تابان به نور شمع جوید در بیابان

بیت:

روشن تر از این نمی توان گفت پیداتر از این نمی توان گفت

قطعه:

آن چنان مست است عاشق کز شراب آمد به هوش

آن چنان فاش است شاهد کز خودش آمد حجاب

هیچ می هرگز نخواهد زین می مست تر

هیچ شاهد فاش تر زین برنیزدازد نقاب

تَمَّ الْكَلَامُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَالصَّلَاةُ عَلَى نَبِيِّهِ.